

مهاجرت گزینه آخر! و چرا؟

پیشینه :

اگرچه گذشته تاریخ زندگی انسان ها عمیق و ژرف نگریده شود به خوبی پذیرفته میشود که واژه مهاجرت و سلسله آن يك پدیده تازه نبوده و میتوان آنرا از قدامت برابر به نخستین مراحل پیدایش انسان برشمرد . و یاهم طوریکه سیر زمان شاهد آنست اکثر ملت ها ، اقوام ، و پیروان ادیان ، به دلایل مختلف و متعدد به مهاجرت مبادرت ورزیده اند.

تجاوز و هجوم کشورهای استعماری و یا از لحاظ تسلیحاتی به ظاهر قدرتمند ، بالایی کشورهای ناتوان از رهگذر مادی که منجر به سلب آزادی انسان ها در یک جغرافیا گردیده و یا میگردد ، استبداد ، ظلم و خودکامگی نظام ها و حاکمان مستبد بالایی ملت های مستضعف ، وضعیت خطرناک اقلیمی ، ویرانی های ناشی از آفات طبیعی شامل (خشکسالی ، زمین لرزه ها و پس لرزه های آن ، طوفان های عظیم ، سیلاب های مدهش و موج مرگ بار آتش فشان ها و یا به عباره امروزی سونامی ها ی شناخته شده و ناشناخته شده) ، زیر پا شدن اساسات و مبانی اعتقادی ، تهدید و مواجه گردیدن به مرگ بخاطر انجام و اجرای وجایب و مناسک دینی ، عدم مصونیت حیاتی و نبود امنیت کامل ، عدم خودارادیت های اجتماعی ، ناسازگار بودن سیاست های منفی و نامتوازن ، بحران وضعیت اقتصادی وده ها موارد دیگر از دلایل اساسی و عمده مهاجرت ها به حساب می آید .

همچنان با توجه و مطالعه بر زندگی پیامبران الهی علیهم الصلوات والسلام که افضل ترین شخصیت های عصر خود بودند به خوبی و وضاحت در میابیم که بنا بر ضرورت های مبرم و به منظور ادای مکلفیت از جانب خداوند متعال جلّت عظمته در راستای دعوت مردم به سوی یکتا پرستی و بالاخص به منظور پیاده ساختن جوهر حقیقی انسانیت برای انسان بودن و انسان زیستن به مهاجرت متوسل گردیده اند ، که دوران رسالت آخرین فرستاده الهی حضرت نبینا محمد صلی الله علیه وسلم الگویی بی بدیل و مستند انکار ناپذیر این امر بوده است .

شک نیست که ترک دیار ، زادگاه ، خانه و کاشانه نه تنها سهل و ساده نبوده بلکه از همان نخستین مرحله تصمیم گیری تا اقدام به عمل همه مشکل آفرین است . اما زمانیکه مجبوریت ها انسان را و امیدارد تا خویشتن راقناعت دهد آنگاه هر آنچه به عنوان مانع عرض اندام نماید برایش مفهوم نداشته و در نتیجه جهت نایل آمدن به آمال و اهداف خودگام می بردارد . و فقط آنچه برایش ارزشمند است دنبال می نماید.

چرا گزینه آخر؟

زمانی که انسان خویشتن را در ابعاد مختلف زندگی و یا در بعضی موارد آن مواجه به خطر ببیند ، چه این مخاطره در برگیرنده زندگی معنوی اش (عقیده ، دین ، عزت ، آبرو ، سیاست ، استقلال ، خود رأی بودن ، موقف و...) باشد و یا ساحه زندگی مادی اش (وجود فیزیکی ، مال و متاع ، زر و زیور ، جایداد و...) رابه محاصره آورده باشد ، طبعاً که باشورش وجدان و همزمان با تحریک غریزه های پنهان و اما حضور داشته درون خود در پی راه نجات می برآید.

باتوجه بر اینکه اگر همه سعی و تلاش یک انسان متضرر در جهت رها یابی از چنگال بی رحم مشکلات برهنحوی که باشد منتج و مثمر واقع نگردد و از نگرانی های روزگارش کاسته نشود و به ویژه ناآرامی های ذهنی و جسمی اش راحت نگردد ، به درستی احساس مصونیت نکند و یادربه جا آوری ، اجرا و ادای احکام اعتقادی خویش صاحب اختیار قرار نگیرد چه خواهد کرد ؟ آیا منصرف خواهد شد ؟ آیا خاموش خواهد ماند ؟ آیا با چشم پوشیده عبور و یا با سرافگندگی تحمل خواهد کرد ؟

نخیر و هرگز! زیرا مقتضای سرشت ، فطرت و طبیعت انسانی اش چنین نیست و نمی گزارد بی تفاوت بماند و در مقابل نابرابری های اجباری و تحمیل شده تن دهد. دقیق آنست که در جستجوی چاره دیگر شده و در تکاپوی انتخاب گزینه بهتر غرض نجات آبرومندانه و باوقار از منجلاب و گودال های بدبختی می اندیشد.

بلی ! به اصل مطلب می پردازیم ، زمان نی که انسان های یک سرزمین نتیجه همه فعالیت ها و کوشش های خود را در مهار ساختن معضلات و پیرابلم های زندگی فردی ، خانوادگی و یا اجتماعی اش منفی شمارد و در عوض آن خود و تمامی ارزش های مرتبط به خود را از هر حیث و از هر جهت به مخاطره ببیند ، طبعی است که ترک دیار را ترجیح داده و راه هجرت و پناهنده شدن را اختیاری نماید. و البته این آخرین گزینه است که انسان به خاطر نجات خویش قانع میشود تا به آن اتکاء نموده و عمل نماید.

فراموش نباید کرد که دلایل ، اسباب ، شرایط و ظروف در تصمیم گیری ها برای مهاجرت و پناهنده شدن از هم متفاوت بوده و هر مهاجرت یا پناهنده شدن چه به صورت انفرادی و یا هم به شکل جمعی علل و انگیزه های بخصوص خود را داشته و میداشته باشد. که این مقتضی یک بحث جداگانه است.

اما این قدر باید یادآور شد که پدیده مهاجرت و پناهنده در کشور عزیز ما با داشتن وجوهات مختلف ، طی سال های پسین و آنهم مبادرت ورزیدن اکثراً قشر جوان به ترک وطن و یا به اصطلاح (فرار را برقرار ترجیح دادن) خیلی میرهن و کاملاً واضح است . که از جمله دو مورد آن منحصیث دلیل اساسی شمرده می شود :

1- بحران امنیتی

2- بحران اقتصادی

در پایان از بارگاه ایزد متعال التجامندیم تا شرایط بهتر بودن و بهتر زیستن را با تمامی ابعاد و جهات آن برای فرد فرد انسان های کشور عزیز ما افغانستان مهیا فرماید. تا تمامی هموطنان مادوباره با عزت برگشته و همه در کنار هم با آرامش روحی و جسمی زندگی نمایند.

تهیه کننده : محمد شفیع متوکل